

علم أصول الفقه

٢٢

اوامر ١٠-٨-٩٥

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

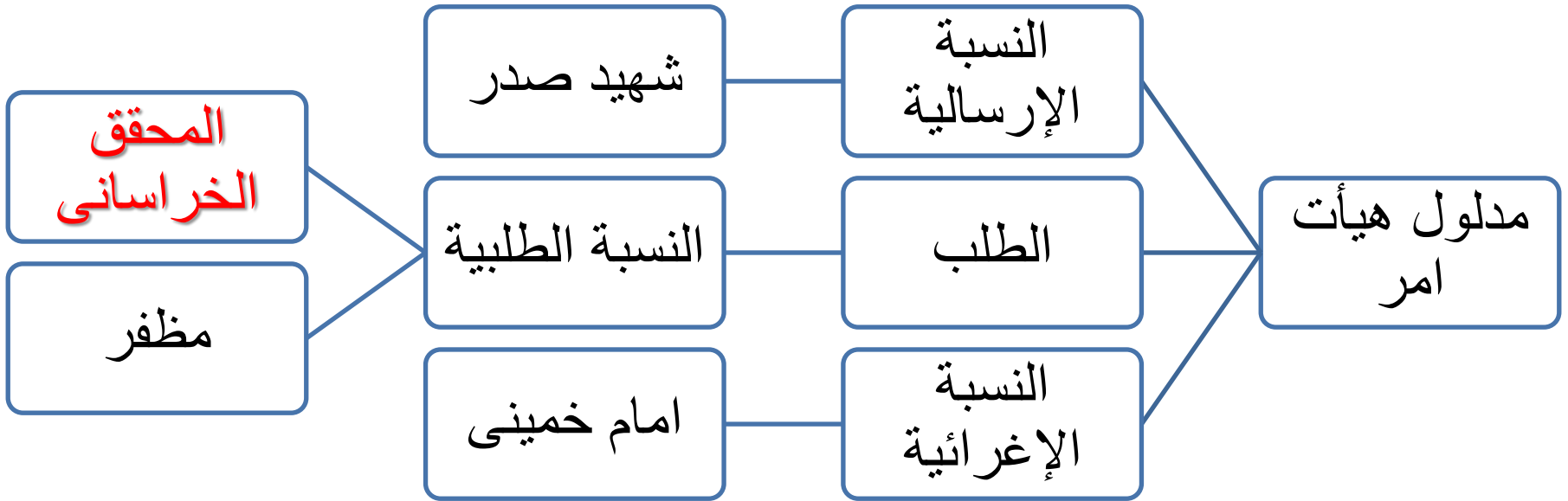


ماده

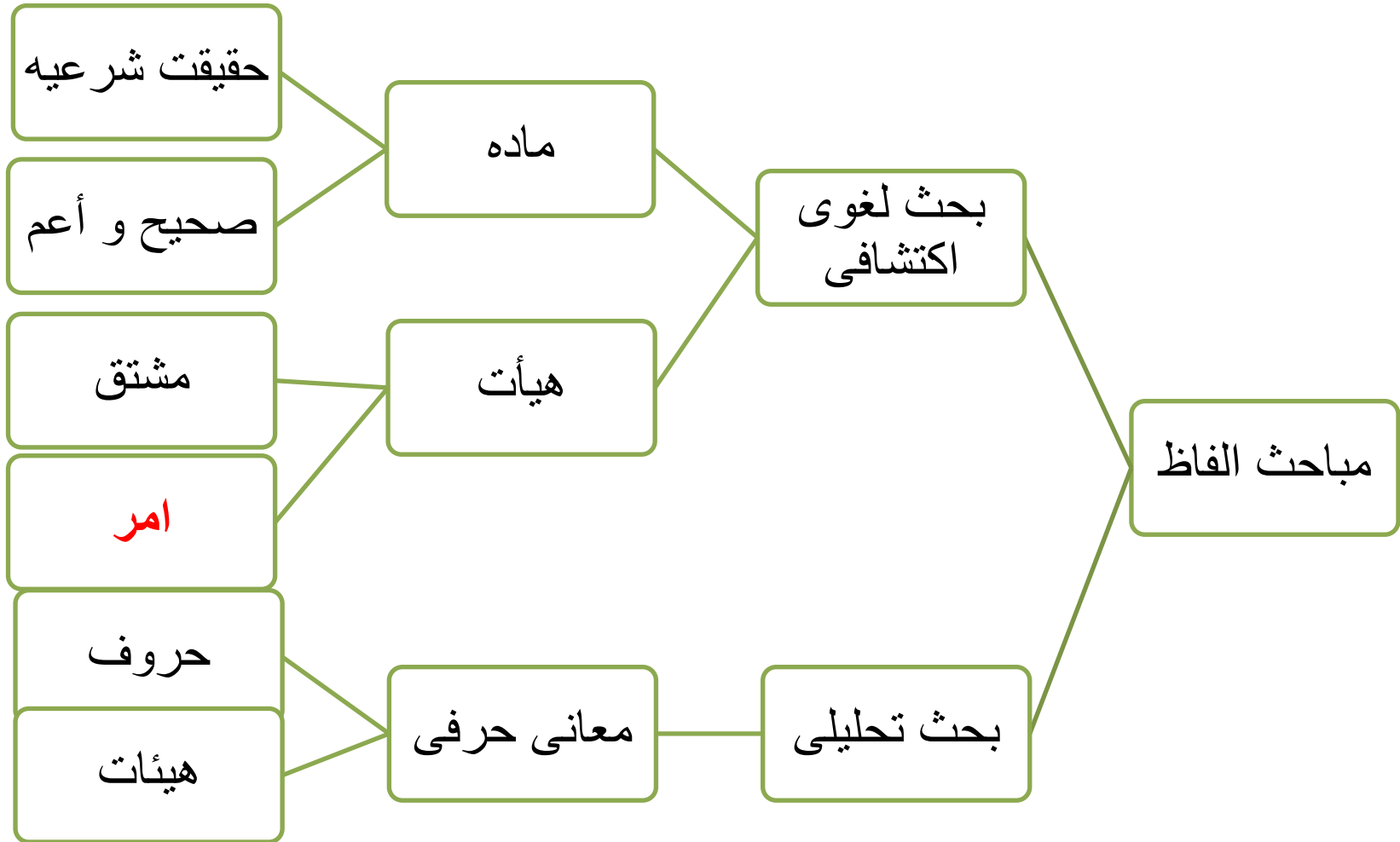
هيات

امر

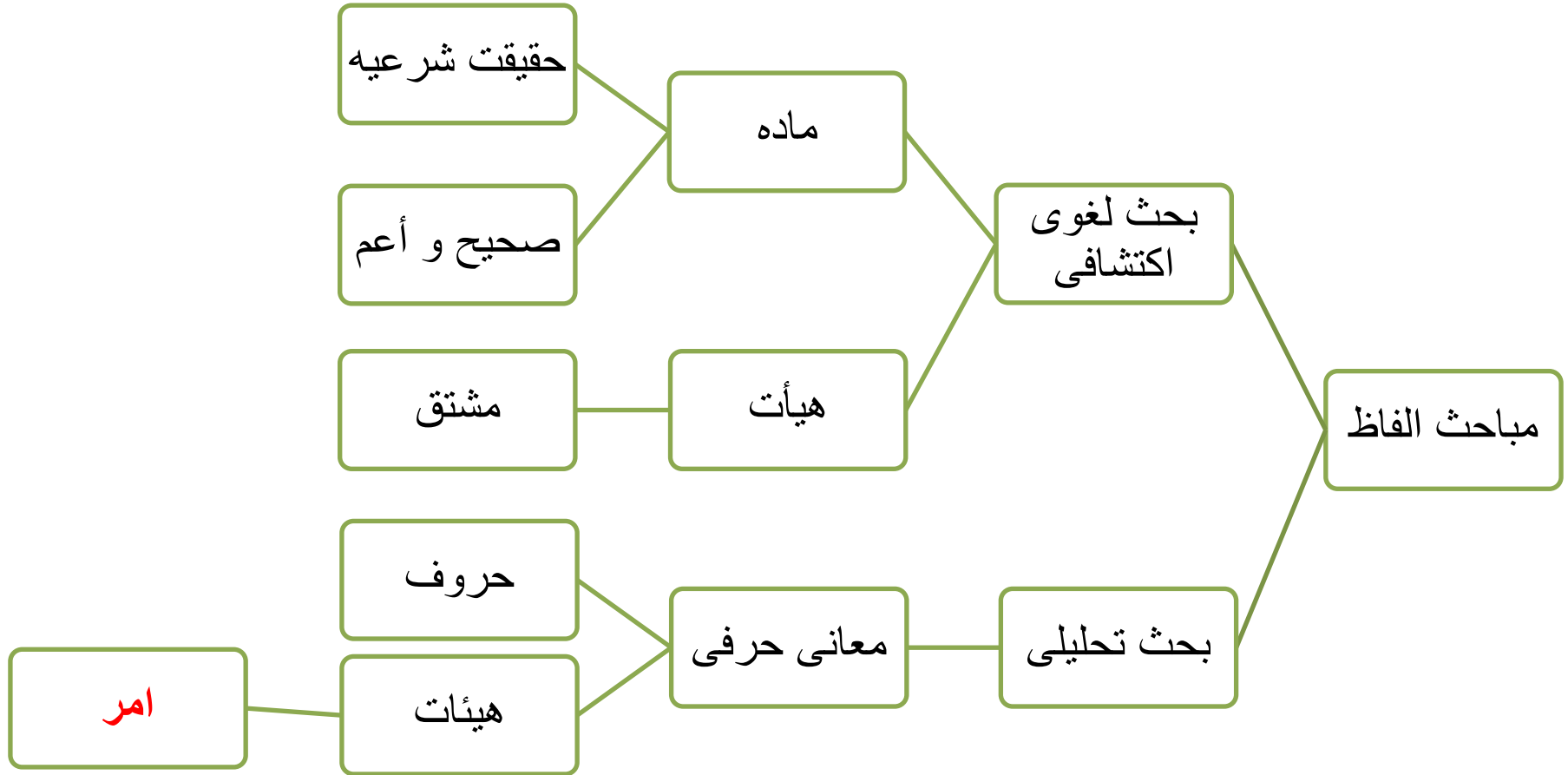
مدلول هيأت امر



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



منشأ ظهور امر در
وجوب

وضع صیغه امر برای
وجوب

حکم عقل به دلالت امر بر
وجوب

حکم عقلا به دلالت امر بر
وجوب

ظهور امر در وجوب، ظهور
اطلاقی است

نظریه
مشهور

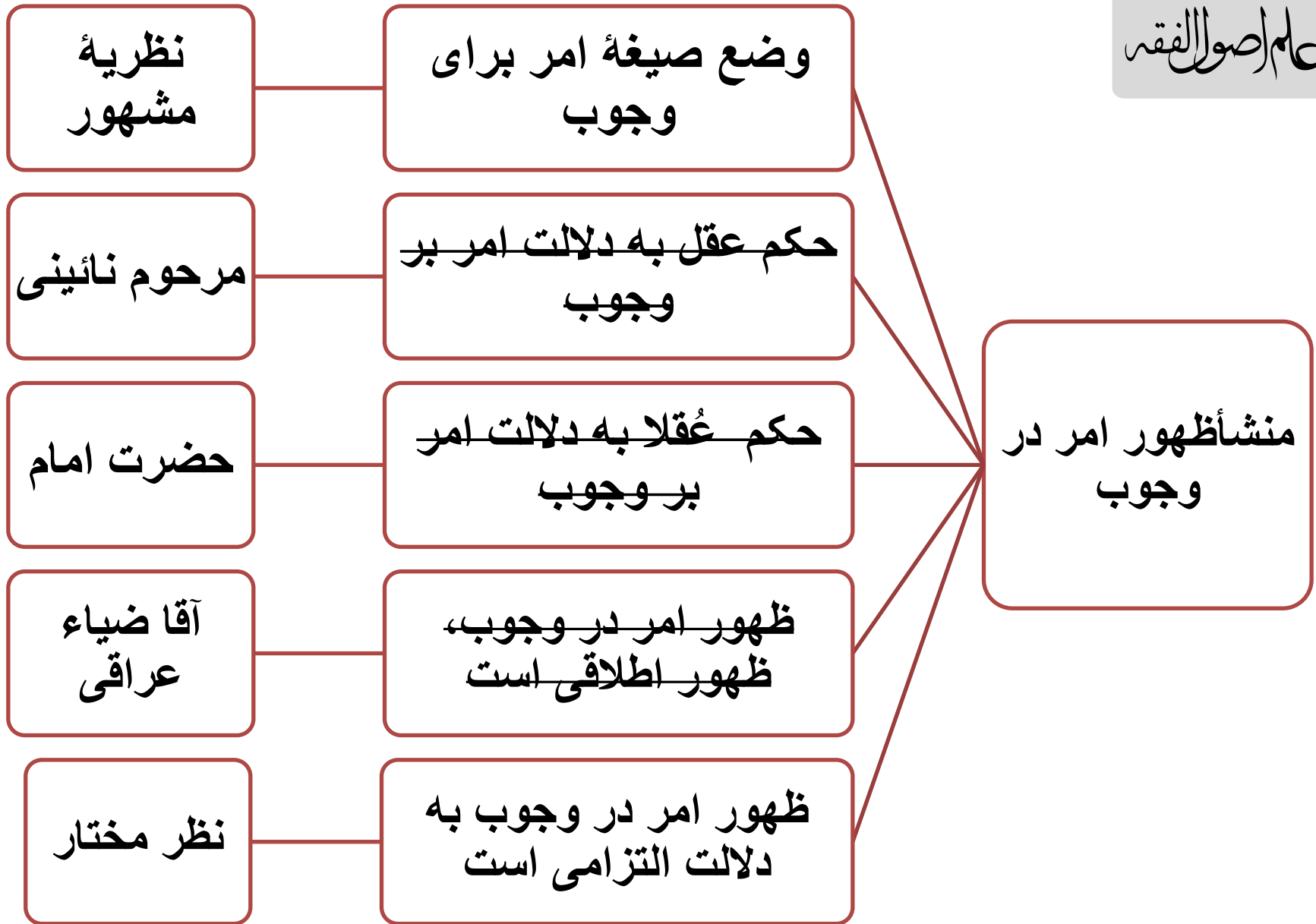
مرحوم نائینی

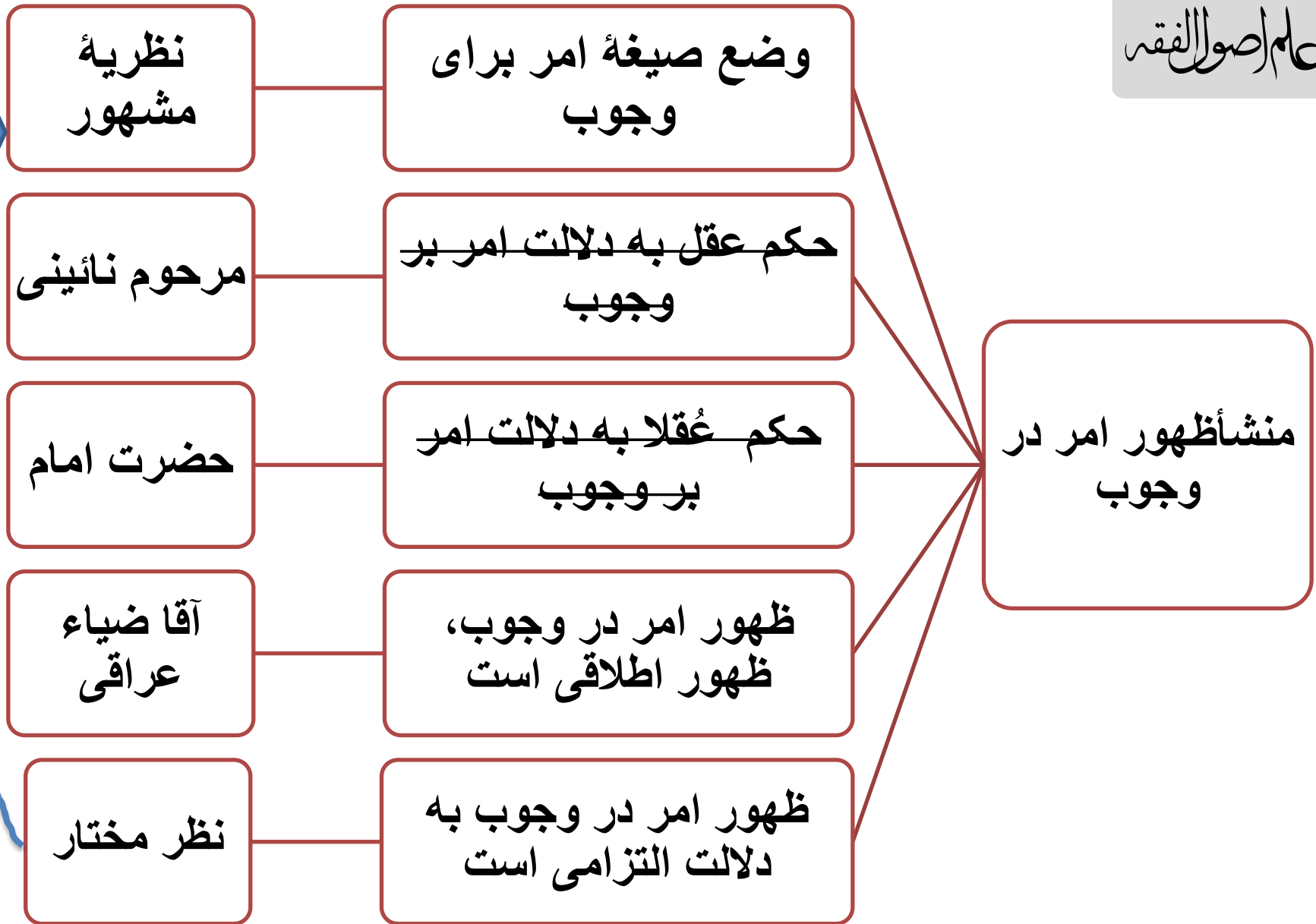
حضرت امام

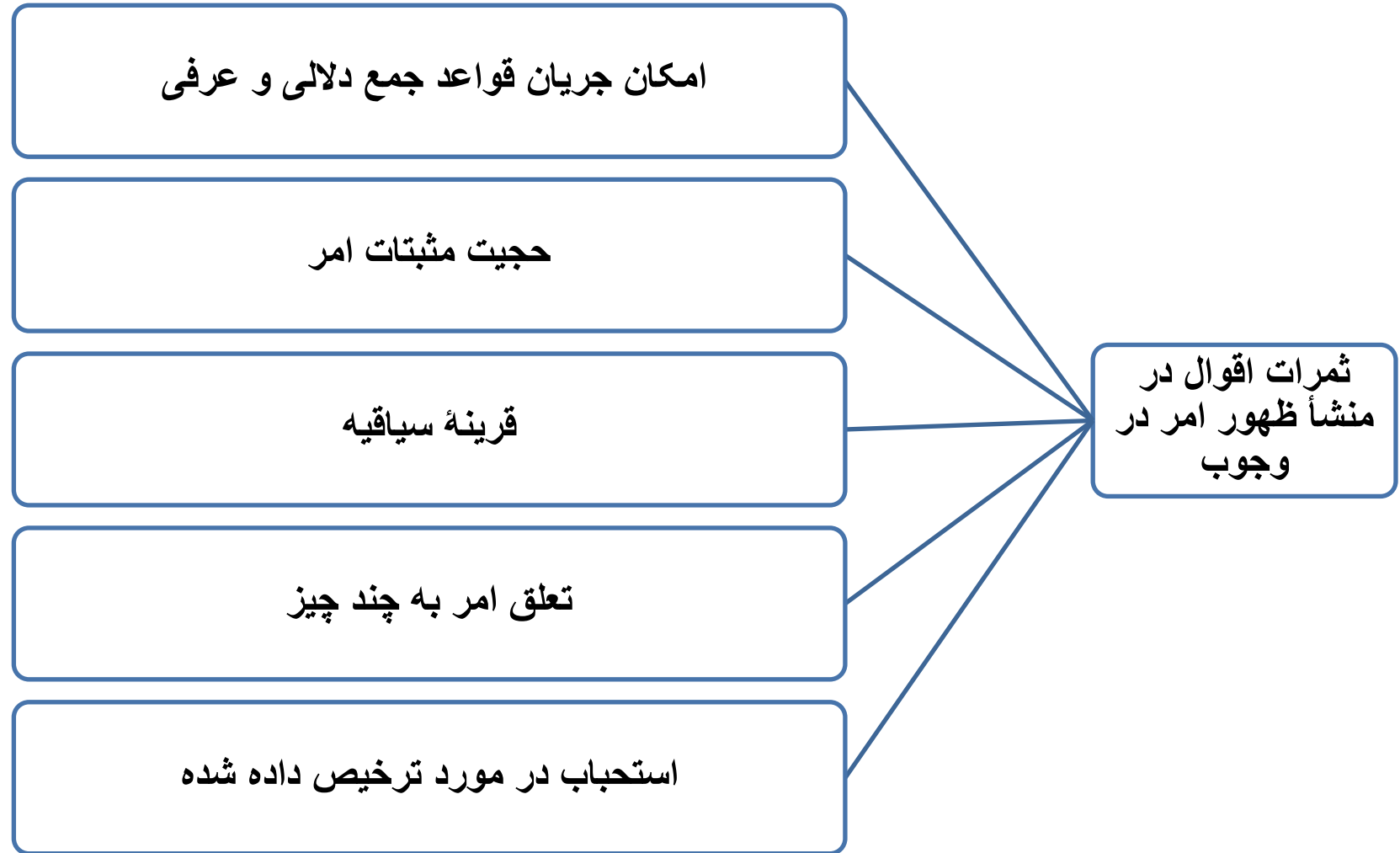
آقا ضیاء
عراقی

استعمال امر در
غیر وجوب
مجازی است.

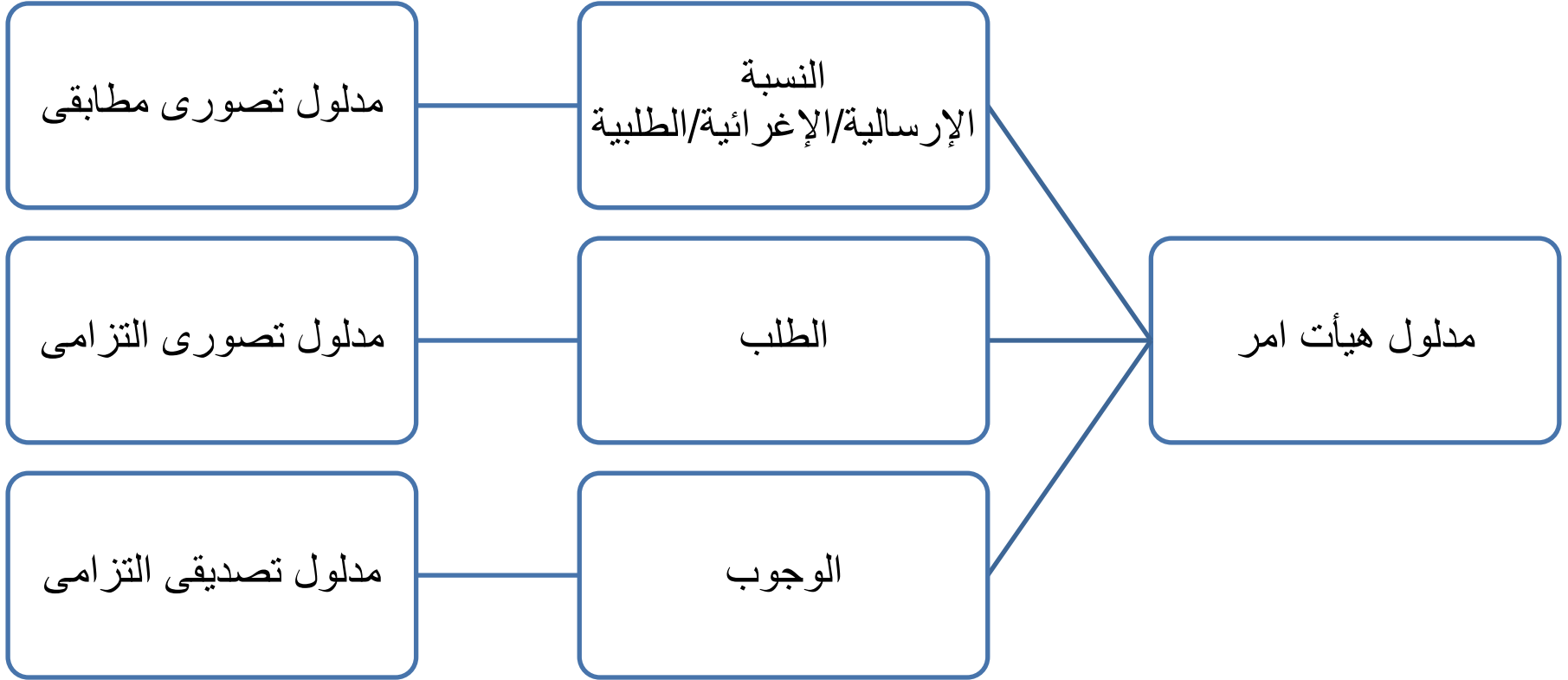
حکم عقل غیر از
حکم عقلا است.



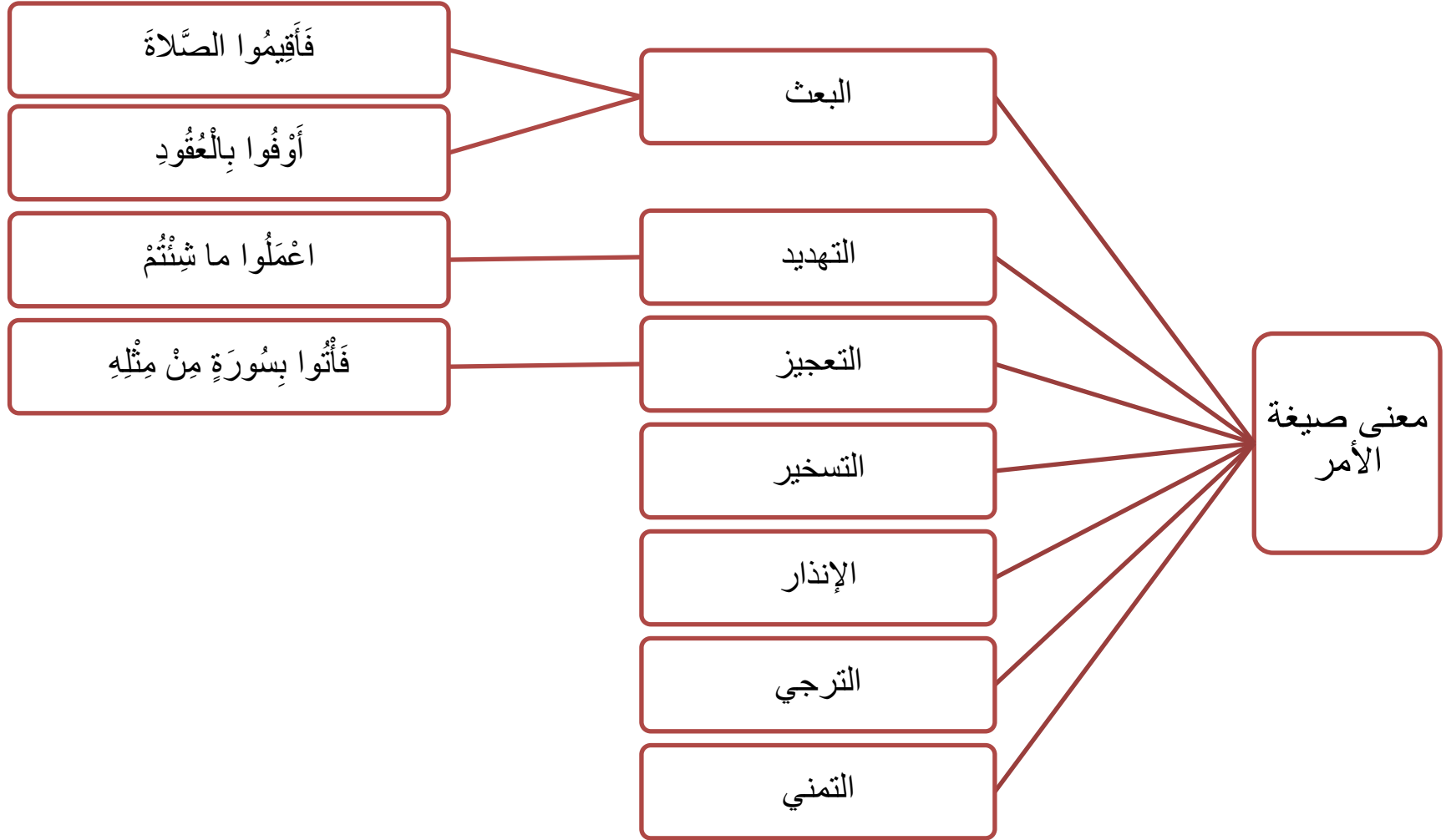




مدلول هيأت امر



استعمال هيأت امر در غير طلب



نتیجة بحث ظهور امر در وجوب

- وجوب مدلول موضوعاً له صیغة امر نیست؛ نه جزء موضوع له (مدلول تضمنی) است نه تمام موضوع له (مطابقی)، بلکه مدلول التزامی صیغة امر محسوب می شود.
- با این بیان کاربرد امر در موارد تعجیز یا استهزاء به معنای مجازیت امر نیست. امر در آن موارد در معنای موضوع له خودش استعمال می شود که همان بعث است و حداکثر آن است که بعث گاهی به انگیزة طلب، زمانی به انگیزة تعجیز و گاهی به انگیزة استهزاء و جز این انجام می گیرد.

نتیجه بحث ظهور امر در وجوب

- البته اگر قرینه‌ای نباشد، از آنجا که طلب، مدلول التزامی بعث است، می فهمیم که این امر به انگیزه طلب صادر شده است. سایر موارد مثل تعجیز یا استهزاء نیاز به قرینه دارند.
- در مواردی که امر برای استحباب به کار می رود، نیز مجازی شکل نمی گیرد؛ زیرا امر در همان معنای موضوع له خودش یعنی نسبت ارسالیه به کار می رود. البته اگر قرینه‌ای بر استحباب یا وجوب نباشد، معلوم می شود مدلول التزامی اش یعنی سد تمام ابواب مراد است و لازمه سد تمام ابواب واجب بودن است. اما استحباب نیاز به قرینه دارد.

نتیجه بحث ظهور امر در وجوب

- اساساً تعیین مدلول جدی با کمک قرینه به معنای مجازیت نخواهد بود. مثل این بحث در اطلاق و تقیید یا عموم و خصوص هم وجود دارد. وقتی متکلم بگوید: «أَكْرَمُ كُلِّ عَالِمٍ» معنایش این است که همه علما را باید اکرام کرد. حال اگر با قرینه منفصل یا متصل گفت: «إِلَّا الْفُسَّاقَ مِنْهُمْ» یا «لَا تُكْرَمُ الْفُسَّاقُ مِنَ الْعُلَمَاءِ»، نتیجه می‌گیریم که مراد جدی متکلم از عبارت اکرم کل عالم، صرفاً اکرام عالمان عادل بوده است.

نتیجة بحث ظهور امر در وجوب

- در آن بحث هم توضیح می‌دهیم که استعمال عام در معنای مخصّص مجاز نیست؛ زیرا قرینة مخصّص تعیین کننده مراد جدی است نه مراد استعمالی و مجاز و حقیقت در مرحله مراد استعمالی مطرح می‌شوند.

نتیجہ بحث ظهور امر در وجوب

- معنای اینکه مراد از اکرم کل عالم عالمان عادل است، این نیست که عالم در این عبارت در خصوص عالمان عادل استعمال شده است تا گفته شود مجاز رخ داده است، بلکه در معنای هر عالمی به کار رفته است و حداکثر ما به کمک تخصیص می فهمیم که مراد جدی متکلم از مستعمل فیه بخش خاصی از آن عالمان است؛ یعنی خصوص عالمان عادل.

نتیجہ بحث ظهور امر در وجوب

- در حقیقت قرینہ، اصل تطابق بین مدلول تفہیمی و مدلول جدی را می شکند و می گوید این دو در اینجا مطابق هم نیستند. اما مدلول تصویری اعم مطابقی و التزامی و نیز اصول جاری در حوزة مدالیل تصدیقی تا قبل از مرحله مدلول جدی به حال خود باقی هستند.

بیان طلب به غیر از امر

- امر در قالب غیر صیغة امر
- گاهی افعال دیگر غیر از امر برای بیان طلب به کار می‌روند. در روایات داریم که معصومین - علیهم السلام - بعضی جاها به جای اینکه صیغة امر را به کار ببرند با فعل مضارع امرشان را بیان می‌کنند؛ برای مثال فردی سؤال می‌کند یک نفر نمازش را فلان طور خواند. آیا صحیح است؟ حضرت می‌فرمایند: «یعيد الصلاة: نمازش را اعاده می‌کند.» بحث کرده اند که چگونه افعال دیگر غیر از فعل امر می‌توانند بر طلب دلالت داشته باشند.

بیان طلب به غیر از امر

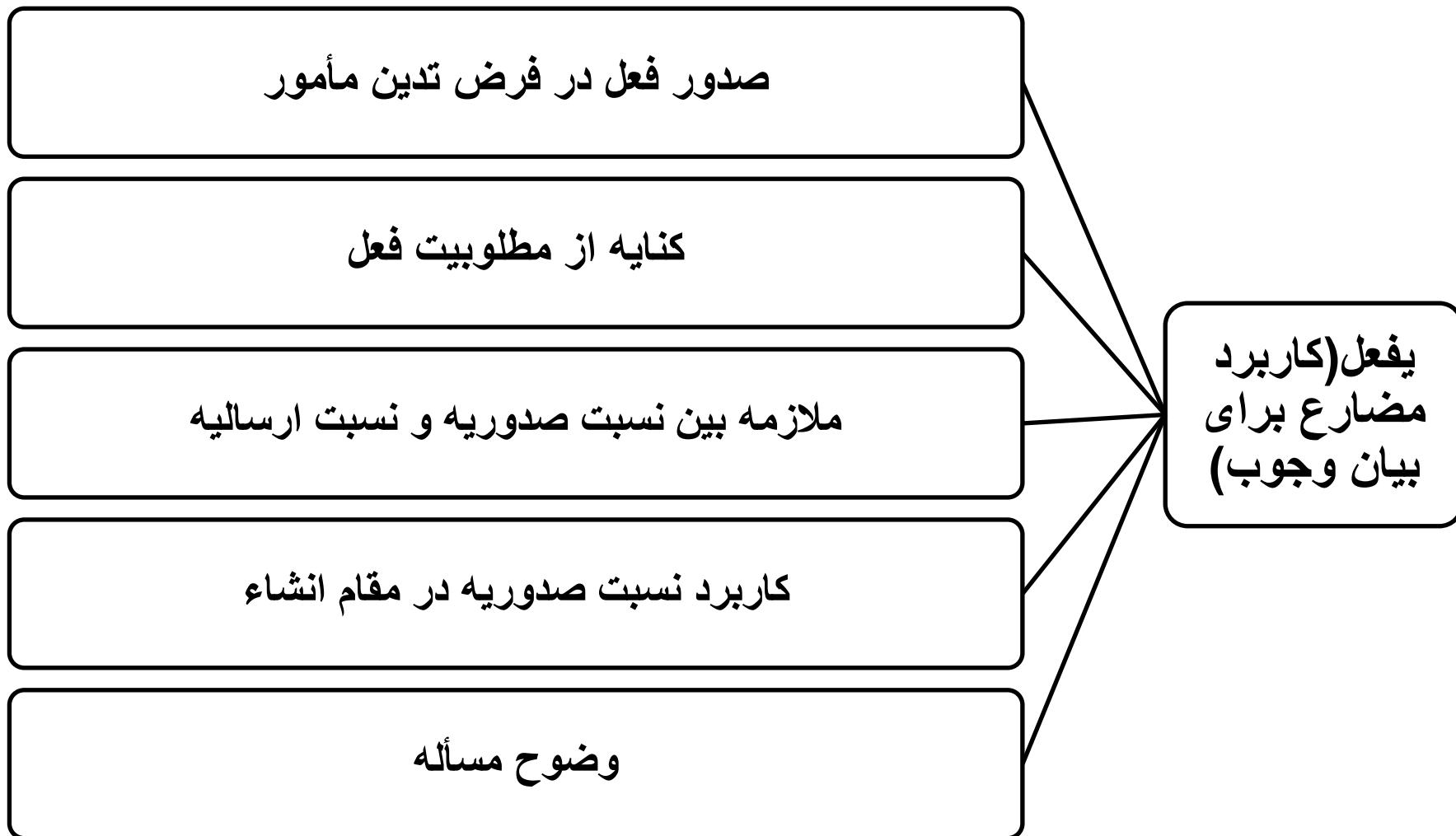
- در مورد سایر افعال گفتیم این‌ها برای نسبت صدوریه وضع شده‌اند و بیان می‌کنند که فعل از فاعل صادر شده است یا می‌شود. این معنا چطور می‌تواند دلالت کند بر اینکه صدور فعل از فاعل، مطلوب متکلم است.

بیان طلب به غیر از امر

- مرحوم آخوند - رضوان الله علیه - نظری را مطرح کردند که تقریباً مورد توافق اصولی‌های متأخر است. می‌فرماید در این گونه موارد فعل در موضوع له خود استعمال شده است و هیچ گونه مجازی در مرحله استعمال وجود ندارد.

بیان طلب به غیر از امر

- یعنی وقتی حضرت می فرماید یعید الصلاة، به لحاظ مدلول استعمالی حضرت صدور فعل اعاده از این شخص را اراده کردند. گویا از چنین صدوری خبر می دهد.
- فرق این عبارت با سایر عبارات خبری در مرحله مراد جدی است. برای بیان این فرق چهار وجه مطرح شده است و حضرت امام - رضوان الله علیه - یک وجه پنجمی مطرح کردند. یکی از این وجوه کافی است برای اینکه یعید الصلاة بتواند در مقام مراد جدی، مَفْهُم معنای طلب باشد.

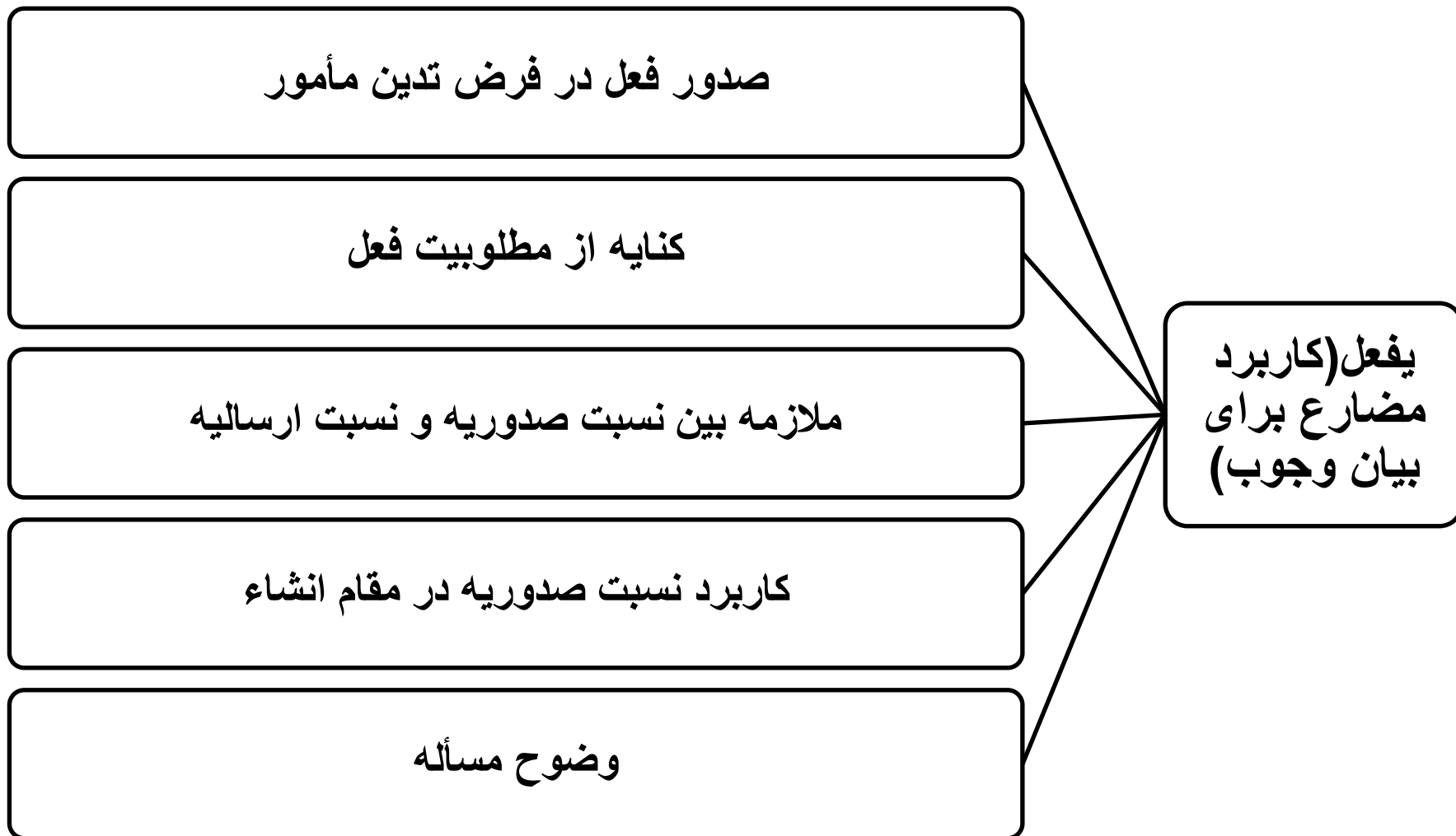


بیان طلب به غیر از امر

- وجه اول
- وقتی امام صادق - علیه السلام - می فرماید یعید الصلاة، بدین معنا نیست که حضرت با علم غیب خود خبر می دهد از یک واقعه خارجی که در آینده رخ خواهد داد، بلکه مراد این است که حضرت می خواهند بفهمند که این آدم اگر فرد متشرعی باشد و به احکام دینی ملتزم باشد، نمازش را اعاده می کند.

بیان طلب به غیر از امر

- این مطلب معنایش این است که اعاده نماز در اینجا یک امر ضروری شرعی است و به همین جهت است که اگر این شخص ملتزم به شریعت باشد، نمازش را اعاده می‌کند.
- در واقع مراد جدی حضرت این است که اعاده نماز در اینجا مطلوبیت شرعی دارد. شهید صدر - رضوان الله علیه - می‌فرمایند بهترین وجه، وجه اول است.

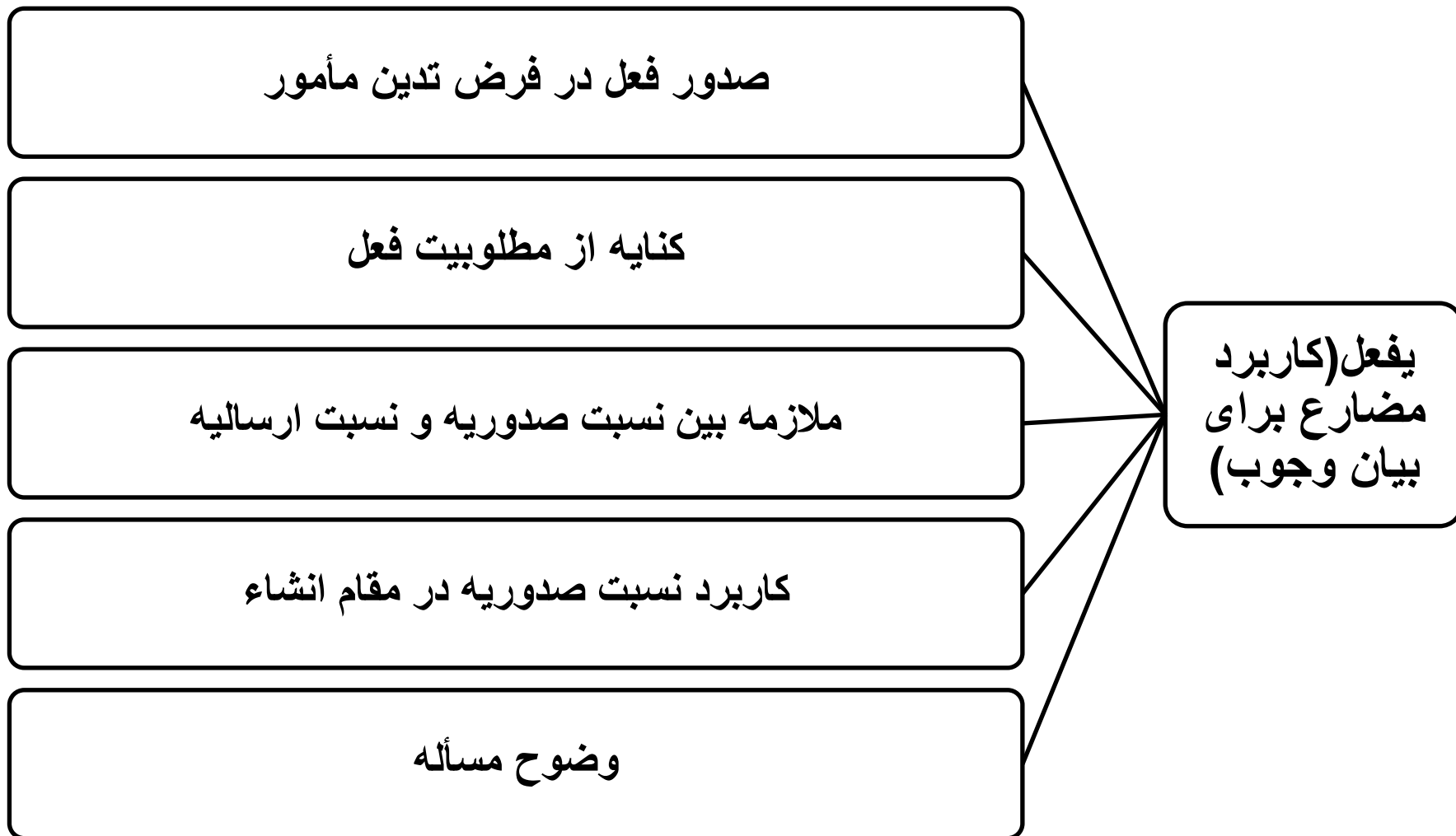


بیان طلب به غیر از امر

- وجه دوم
- جملاتی مثل *یَعِدُ الصَّلَاةَ* کنایه از *مَطْلُوبِیتِ فَعْلٍ* هستند. در کنایه لازم را بیان می‌کنیم تا ملزوم فهمیده شود؛ مثلاً می‌گویند: «زید کثیر الرماد: زید خاکستر خانه‌اش زیاد است». این زیادی خاکستر لازم است و گوینده با بیان لازم می‌خواهد ملزوم یعنی مهمان نوازی زید را بفهماند. مراد جدی‌اش بیان ملزوم است. به همین دلیل ممکن اصلاً لازم صادق نباشد و واقعاً رمادی در کار نباشد اما ملزوم صادق باشد و این مقدار خدش‌های در این جمله ایجاد نمی‌کند.

بیان طلب به غیر از امر

- در اینجا که حضرت می فرمایند یعید صلاة در واقع لازم را بیان می کنند تا ملزوم فهمیده شود. یعنی اعاده کردن نماز از سوی این شخص لازمة وجوب اعاده در شریعت است. حضرت لازم را فرمودند تا لازم بفهمانند که این اعاده در شریعت واجب است.



بیان طلب به غیر از امر

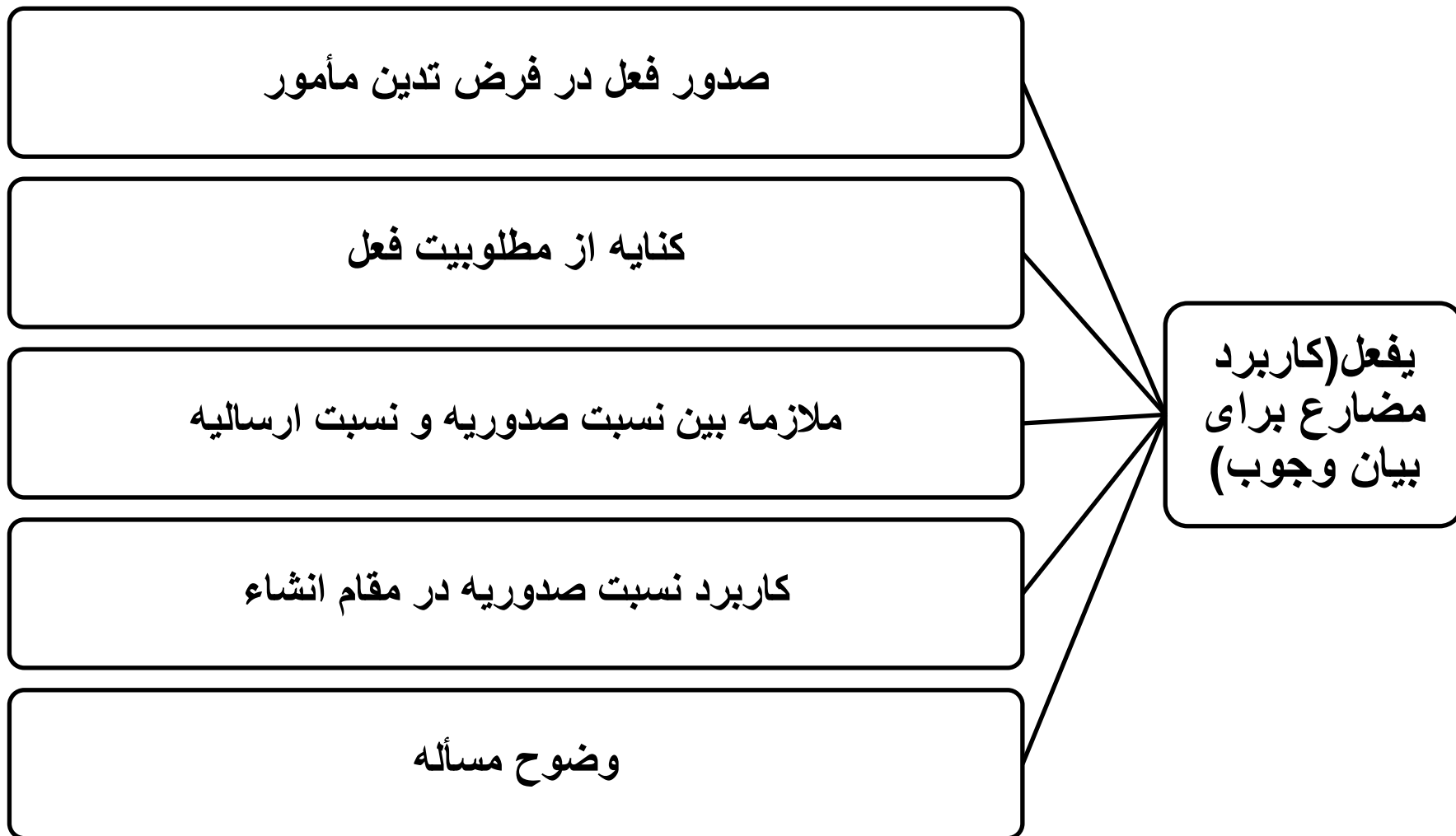
- وجه سوم
- بین نسبت صدوریه و نسبت ارسالیه در این موارد ملازمه‌ای وجود دارد؛ یعنی وقتی که ارسالی باشد، صدوری هم هست. پس وقتی صدور را می‌شنویم، ارسال به ذهنمان می‌آید.

بیان طلب به غیر از امر

- به عبارت دیگر
- اینکه یعنی معمولاً در پی نسبت ارسالیه یک نسبت صدوریه پیدا می شود
- و اینکه در پی یک امر، اتیان مأمور به تحقق پیدا می کند،
- باعث شده است بین نسبت ارسالیه و نسبت صدوریه یک نوع دلالت التزامی شکل بگیرد به گونه ای که وقتی نسبت صدوریه را تصور می کنیم، نسبت ارسالیه هم به ذهن می آید.

بیان طلب به غیر از امر

- پس وقتی شارع می گوید: یعيد صلاة که مفادش نسبت صدوریه است، مدلول التزامی آن هم به ذهن می آید که اعاده صلاة چیزی است که به آن ارسال شده است.

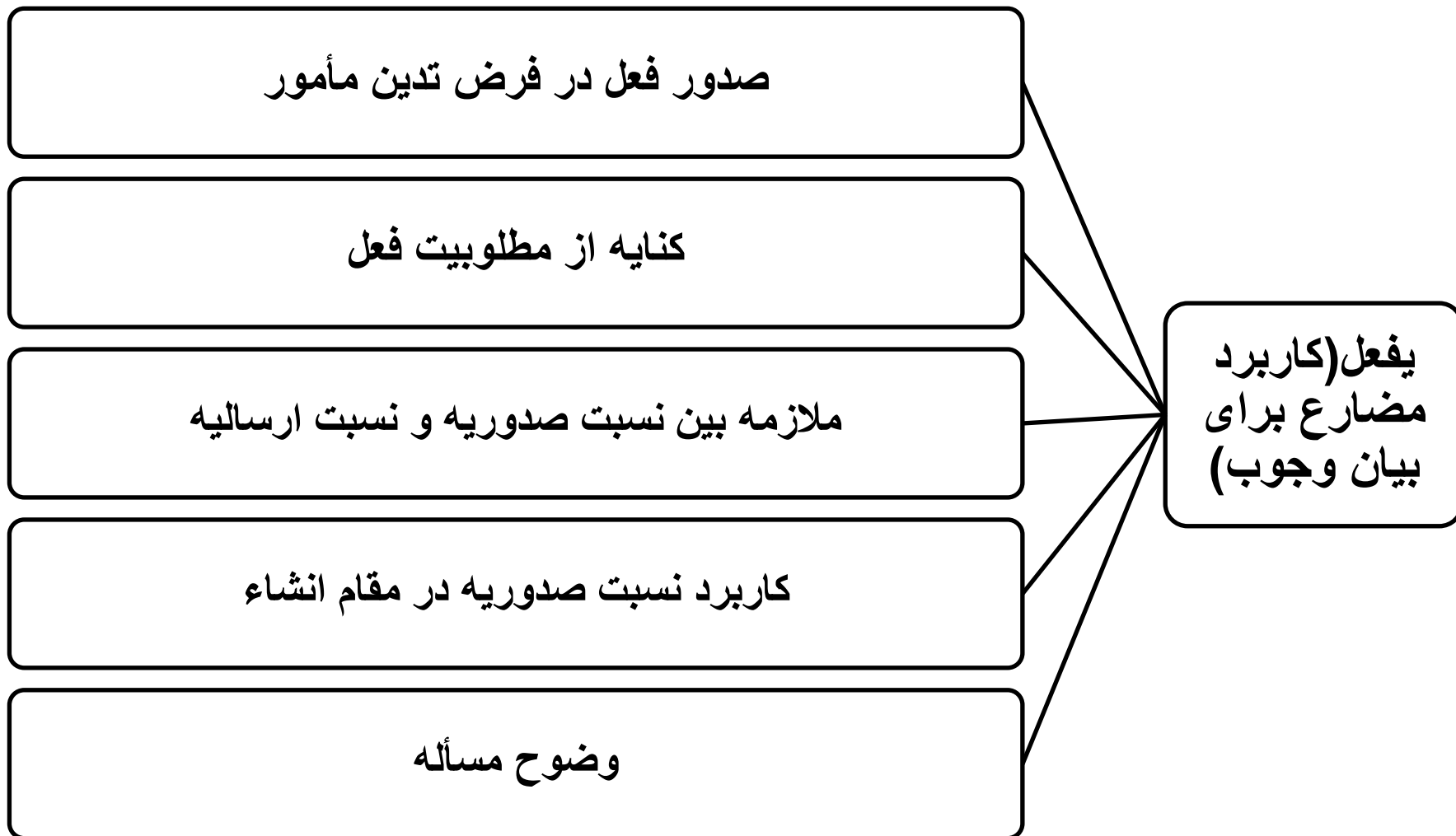


بیان طلب به غیر از امر

- وجه چهارم
- خود نسبت صدوریه در مقام انشاء به کار می رود؛ یعنی مفاد «یعيد الصلاة» نه در مقام اخبار از اعاده نماز باشد، بلکه در مقام انشاء باشد به این معنا که باید این فعل اعاده شود.

بیان طلب به غیر از امر

- بر این وجه اشکال آقای هاشمی - حفظه الله - وارد می شود که لازمه این وجه آن است که انشاء و اخبار تابع مراد جدی باشند و ما بتوانیم هر صیغه‌ای و هر عبارتی را در مقام انشاء به کار ببریم، اگر اراده انشاء کردیم یا در مقام اخبار بکار ببریم، اگر اراده اخبار کردیم در حالی که در واقع، زبان این طور نیست و ما نمی توانیم چنین کنیم.
- انشاء و اخبار از خصوصیات خود لفظ هستند و تابع اراده متکلم نیستند. انشاء و اخبار در مرحله مدلول تصویری هم مطرح اند نه اینکه صرفاً مربوط شود به مراد جدی متکلم.



بیان طلب به غیر از امر

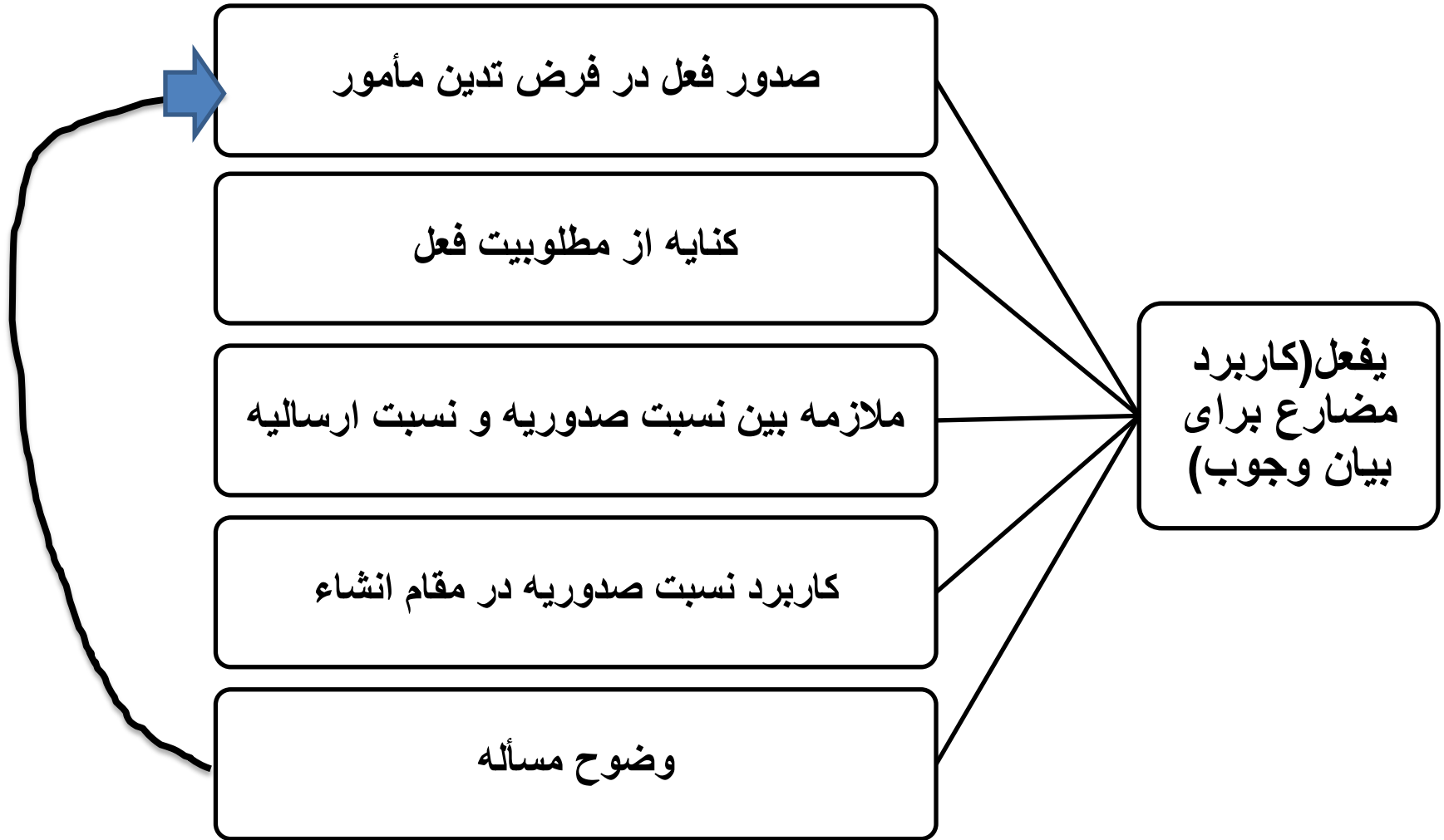
- وجه پنجم
- جایی که شارع به جای امر از مضارع استفاده می‌کند یا به جای ارسال، صدور را بیان می‌کند یا به جای انشاء، اخبار می‌کند، با این کار می‌خواهد بگوید که لزوم و وجوب اتیان این عمل آن قدر واضح است که نیاز به امر کردن ندارد.
- گویا اگر عقل این آدم سالم باشد، همان عقلش کافی است که بفهمد اعاده این نماز لازم است.

بیان طلب به غیر از امر

- دقت کنید مقصود این نیست که حکم عقلاً واضح است و نیاز به بیان شارع ندارد. می‌خواهند بفرمایند وقتی شارع به جای امر از مضارع استفاده می‌کند، این معنی را القاء می‌کند که این مسأله کاملاً واضح است و نیاز به بیان امری از سوی شارع ندارد؛ هر چند که ممکن است برای یک فرد خاص واضح نباشد.



- و الذي يمكن أن يقال: إنها مستعملة في معانيها الخبرية بدعوى تحققها من المخاطب، مدعياً أن المخبر به أمر يأتي به المخاطب من غير احتياج إلى الأمر، لوضوح لزوم إتيانه بحكم العقل، كما إذا قلت: «إن ولدي يصلي» أو «إنه يحفظ شأن أبيه» بداعي إغرائه بذلك، فإنك تستعمل الجملة في معناها بدعوى كون الأمر بمكان من الوضوح لا يحتاج إلى الأمر، بل يأتي به بتميزه و عقله.
- و ما ذكرنا موافق للذوق السليم و المحاورات العرفية.



بیان طلب به غیر از امر

-
- بررسی وجوه پنج گانه
-

باید بینیم در ارتکازات و ذهنیت عقلا و ذوق کدام یک از این وجوه مقبول تر است. این مسأله به زبان عربی اختصاص ندارد. در زبان فارسی هم این نوع کاربرد وجود دارد.

بیان طلب به غیر از امر

- هر یک از این وجوه درست باشد، در نتیجه بحث فرقی نمی‌کند ولی وجهی که شهید صدر - رضوان الله علیه - مطرح کرده است، به فهم عرفی نزدیک تر است؛ یعنی وقتی می‌گوییم یعید الصلاة و اخبار می‌کنیم اما اخبار در فرض تشریح شخص است به این معنا اگر آدم متشرع و پایبند به احکام باشد، نمازش را اعاده می‌کند؛ چون این عمل الزامی است.

بیان طلب به غیر از امر

- مقصود این نیست که آهنگ صدای گوینده این معنا را می فهماند. اگر این طور باشد، صدای ائمه و راویان روایات را داشته باشیم تا بفهمیم مرادشان چیست در حالی که می دانیم در بعضی موارد مضارع با لحنی خیلی آرام بدون هیچ تأکیدی به کار می رود و همچنان ادعا این است که این معنا در آن وجود دارد؛ البته در اینکه قرائن حالیه و مقالیه در ظهورات الفاظ دخالت دارند، جای بحثی نیست.

بیان طلب به غیر از امر

- ما می‌گوییم به صورت عادی از مضارع طلب فهمیده نمی‌شود ولی کاربردهایی وجود دارد که ما به کمک قرائن اصل این مطلب را می‌فهمیم که مراد از خود این عبارت بدون ملاحظة لحن و صدا، طلب است.
- اما اینکه این دلالت چطور ثابت می‌شود، در اینجا آن وجوه مطرح می‌شود.

بیان طلب به غیر از امر

- برای توضیح بیشتر به مثال توجه کنید. اگر شارع می‌فرماید: «لا یَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، آیا خداوند با علم غیب خود می‌خواهد بگوید قرآن یک کیفیتی دارد که اصلاً افرادی که پاک نیستند نمی‌توانند آن را مس کنند؛ مثلاً اگر بخواهند دست بزنند، یک عامل غیبی آن‌ها را کنار می‌زند؟ در پاسخ می‌گوییم نه، این بیان یک واقعیت تکوینی از قبیل یک اخبار غیبی نیست، بلکه بیان یک حکم شرعی است.

بیان طلب به غیر از امر

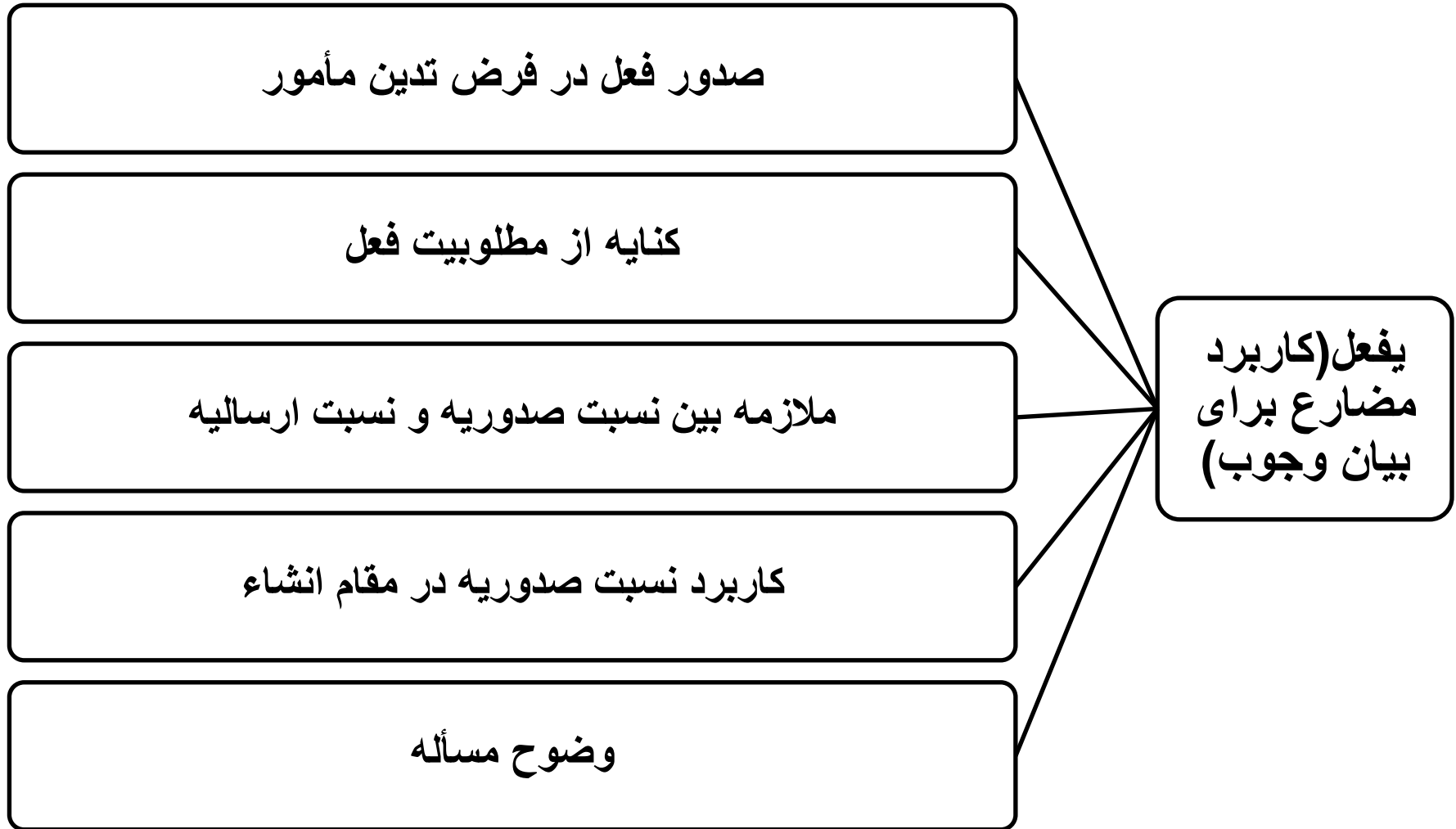
- در واقع شارع خواسته بگوید اگر کسی متشرع باشد، بدون طهارت به قرآن دست نمی‌زند؛ یعنی دست زدن به قرآن بدون طهارت شرعاً جایز نیست.

بیان طلب به غیر از امر

- البته دقت شود که نمی خواهد بگوید اگر کسی بدون طهارت دست زد، پس معلوم می شود اصلاً متشرع نیست و اصلاً دین ندارد یا اگر کسی متشرع باشد، ضرورتاً بدون طهارت به قرآن دست نمی زند؛ چون ممکن است یک کسی خلاف شرع انجام بدهد و دست بزند یا بدون اختیار دست بزند؛ مثلاً کسی که بدون طهارت، ناخواسته دستش به قرآن بخورد.

بیان طلب به غیر از امر

- آنچه که الآن از این آیه می فهمیم این است که «لا یمس» در نهی استعمال نشده است، بلکه در نفی آن هم در یک فرض خاص استعمال شده است؛ نفی در فرض تشریح فرد.
- همچنین شارع نگفته است اگر کسی متشرع باشد، دست زدن به قرآن برای او جایز نیست تا مفهوم بگیرد که اگر متشرع نباشد، دست زدن بدون طهارت جایز است! شارع گفته اگر آدم متشرع و پایبند به شرع باشد، در فرض اختیار بدون طهارت دست نمی زند.
- این مثال برای نهی بود که محل بحث ما نیست اما در امر هم همین گونه است.



بیان طلب به غیر از امر

- طلب در مضارع وجوبی یا استحبابی؟
- شهید صدر - رضوان الله علیه - می گوید اگر از آن چهار وجه سه مورد اول را بپذیریم، طلب وجوبی است اما اگر وجه چهارم را بپذیریم، می تواند طلب اعم از وجوب و استحباب باشد.
- وجه پنجم اگر وجه مستقل باشد مانند سه وجه اول است.



بیان طلب به غیر از امر

- به عنوان نمونه در وجه اول گفتیم اگر شخص متشرع باشد، این نماز را اعاده می‌کند. معنایش این است که این عمل در شریعت الزامی است. اگر الزامی نباشد، منافاتی ندارد که متشرع باشد و به احکام هم پایبند باشد و در عین حال این کار را انجام ندهد.

بیان طلب به غیر از امر

- وجه دوم این بود که استعمال این گونه جمله‌ها از قبیل کنایه باشد که متکلم در آن لازم را بیان می‌کند و ملزوم را اراده می‌کند. وقتی می‌فرماید یعید الصلاة، از لازم (صدور اعاده از این شخص) خبر می‌دهد ولی ملزوم (طلب صدور اعاده از این شخص) را اراده می‌کند.
- اگر این بیان را هم بپذیریم، این نوع جمله خبریه بر وجوب دلالت می‌کند؛ زیرا هنگامی بین مطالبه و بین تحقق صدور، ملازمه وجود دارد که این مطالبه، الزامی و این عمل در شریعت واجب باشد.

بیان طلب به غیر از امر

- وجه سوم این بود که بین نسبت صدوریه و نسبت ارسالیه یک تلازم ذهنی است به گونه‌ای هر گاه نسبت صدوریه را تصور می‌کنیم، ذهنمان به نسبت ارسالیه منتقل می‌شود. بنابراین وقتی گفته شد: یعید الصلاة، با آمدن مدلول مطابقی (نماز خود را اعاده می‌کند) در ذهن، مدلول التزامی (باید نماز را اعاده کند) در ذهن ما خطور پیدا می‌کند.
- وقتی ملازمه ذهنی بین این نسبت ارسالیه و آن نسبت صدوریه را می‌شود پذیرفت که نسبت ارسالیه در اینجا در مقام وجوب و الزام باشد تا بعد از این ارسال آن صدور تحقق پیدا کند.

بیان طلب به غیر از امر

- وجه چهارم این است که می‌توان جمل خبریه را در مقام انشاء به کار برد؛ یعنی الفاظ بیان کننده نسبت صدوریه را در مقام انشاء به کار برد. بنابراین شارع یا گوینده می‌تواند در جایی که می‌خواهد انشاء کند و چیزی را از مخاطب خودش مطالبه کند، به جای امر از مثلاً فعل مضارع استفاده کند.

بیان طلب به غیر از امر

- اگر این بیان را بپذیریم، دیگر هیچ ملازمه‌ای بین چنین طلبی و وجوب وجود ندارد؛ چون این بیان صرفاً انشاء طلب است و نمی‌خواهد بگوید این شخص در خارج نماز خودش را اعاده می‌کند، بلکه به صورت مستقیم می‌خواهد بگوید اعاده این نماز مطلوبیت دارد. اگر این بیان را بپذیریم، دیگر دلالت بر وجوب نخواهد داشت. فقط دلالت بر طلب دارد.

بیان طلب به غیر از امر

- این نوع طلب خصوصیتی ندارد که ما بگوییم حتماً دلالت بر وجوب می‌کند. در موارد قبل، از نسبت ارسالیه یا اینکه وجوب جزء موضوع له امر است، برای دلالت بر وجوب استفاده می‌کردیم. در اینجا نه مفروض این است که وجوب جزء موضوع له این الفاظ است و نه اینکه نسبت ارسالیه ای وجود دارد. فقط یک نسبت صدوریه است که در مقام انشاء بکار رفته است.

بیان طلب به غیر از امر

- وجه پنجم این بود که وقتی معصوم - علیه السلام - به جای انشاء، اخبار می‌کند، می‌خواهد بگوید که حکم این مسأله واضح است به گونه‌ای که نیاز به توضیح از ناحیه شارع ندارد و اگر عقل سالم باشد، حکم می‌کند که باید نماز را اعاده کند. در نتیجه نمازش را اعاده می‌کند و این عمل در خارج محقق می‌شود. ایشان معتقدند که عرفی‌ترین بیان در اینجا همین بیان است. اگر این بیان را بپذیریم، این نوع جملات بر وجوب دلالت خواهند کرد؛ چون اگر حکم غیر الزامی باشد، صرف اینکه عقلش به چنین چیزی حکم می‌کند، باعث نمی‌شود که حتماً چنین کاری را در خارج انجام دهد.